



پرديس دانشگاهی قشم

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته
مشاوره - خانواده

بررسی اثر بخشی آموزش مهارت های زندگی (مهارت
های ارتباطی و حل تعارض) بر میزان رضایت مندی
زنانشویی زوجین ساکن در یکی از شهرک های مسکونی
نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا در شهرستان بندرعباس
سال ۱۳۹۰

استاد راهنما:
دکتر اقبال زارعی

استاد مشاور:
دکتر سیدرضا فلاح چای

نگارش:
سیده صدیقه سیدحسینی
شهریور ۱۳۹۰

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر میزان رضایت مندی زناشویی زوجین نظامی ساکن در یکی از شهرک های مسکونی نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا است. نمونه این پژوهش، شامل ۶۰ زوج از زوجین نظامی ساکن در یکی از شهرک های مسکونی نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا شهرستان بندرعباس در سال ۱۳۹۰ است که از طریق فراخوان عمومی در قسمت های مختلف شهرک مسکونی و ادارات تابعه آن به صورت داوطلبانه جهت شرکت در کلاس های آموزشی ثبت نام کردند و پس از توضیح روند کار پژوهشی و دعوت به مشارکت در طرح، به صورت تصادفی (هر یک از زوجین شانس مساوی برای شرکت در گروه های آزمایشی و گواه را داشتند) به دو گروه مساوی آزمایش (۳۰ زوج) و کنترل (۳۰ زوج) جایگزین شده اند. متغیر وابسته در این پژوهش میزان رضایت مندی زناشویی زوج ها بود که با داده های حاصل از اجرای پرسش نامه ی رضایت مندی زناشویی انریچ^۱ مورد ارزیابی قرار گرفت.

متغیر مستقل، آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض زناشویی) بود که در ده جلسه (دو ساعت آموزش و نیم ساعت تمرین های کاربردی) تنظیم و به گروه آزمایشی آموزش داده شد.

فرضیه پژوهش این بود که آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش میزان رضایت مندی زناشویی و ابعاد آن (خرده مقیاس های رضایت مندی زناشویی) موثر است.

این پژوهش از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل می باشد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS با روش آماری تحلیل کوواریانس (Mancova) در سطح معناداری $\alpha=0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج کلی پژوهش نشان داد که آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) میزان رضایت مندی زناشویی زوجین گروه آزمایش را در مقایسه با زوجین گروه کنترل افزایش داده است. ($F=445/908$ و $P<0/001$)

کلید واژه ها:

مهارت های ارتباطی، مهارت حل تعارض، رضایت مندی زناشویی، خانواده نظامی

¹ Enrich

نیروی دریایی ارتش ج.ا.ی یکی از کلیدی‌ترین و کاربردی‌ترین نیروهای نظامی کشور جمهوری اسلامی ایران است و از آن‌جا که ایران به عنوان کشوری که در مرزهای جنوبی و شمالی خود صاحب آب‌راه‌های بسیار استراتژیک بوده؛ و حراست از مرزهای آبی کشور امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌باشد، لازم است تا به منظور بالا بردن سطح توان نظامی و کارآمدی پرسنل و همین‌طور اقتدار نظامی کشور به جنبه - های مختلف روحی و روانی و کیفیت زندگی نیروهای نظامی دریایی به منظور شناخت صحیح شرایط نظامیان و ارزیابی تاثیر مسایل عاطفی و روانی خانواده‌های آنان پرداخت و راه‌کارهای مختلف و مناسبی را برای کارآمدی خانواده‌های نظامی مورد بازیابی قرار داد.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، عواملی هم‌چون فشار روانی محیط کار، موقعیت‌های حساس و بحرانی، مسؤولیت‌های زیاد شغلی، استرس شغلی، جا به جایی‌های ناخواسته، مشکلات موجود در خانه و خانواده، عدم اطمینان به توانایی‌های فردی، خستگی روانی ناشی از سختی کار، فکر احتمال مرگ، جزء مواردی شناسایی شده است که به افسردگی و آشفتگی‌های روحی کارکنان نظامی و خانواده‌های آنان می‌انجامد (مهرگان، پورحسینی، اصحابی، ۱۳۸۹).

باتوجه به این‌که مشاغل نظامی، شرایط خاص زیادی را برای خانواده‌های مشمول، ایجاد می‌نماید (هم‌چون محل جغرافیایی خدمت پرسنل آن، نقل و انتقالات خانواده‌هایشان، بعد مسافت و دوری از خانواده -های مبداء، استقرار و زندگی در شهرک‌های مسکونی نظامی)، لازم است تا با آموزش مهارت‌های مختلف زندگی به خصوص آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض اقدامات مهم پیش‌گیرانه‌ای را در ایجاد آرامش و ارتقاء سطح زندگی و رضایت مندی زناشویی کارکنان نظامی انجام داد.

فهرست مطالب

موضوعات	صفحات
چکیده	پنج
پیش گفتار.....	شش
مقدمه	۱
فصل اول: طرح پژوهش	
۱-۱ موضوع پژوهش	۵
۱-۲ بیان مساله	۵
۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق	۸
۱-۴ اهداف تحقیق	۱۶
۱-۴-۱ هدف کلی.....	۱۶
۱-۴-۲ اهداف جزئی	۱۶
۱-۵ سؤالات پژوهش	۱۷
۱-۶ فرضیات تحقیق	۱۸
۱-۶-۱ فرضیه اصلی	۱۸
۱-۶-۲ فرضیه فرعی	۱۸
۱-۷ تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش	۲۰
۱-۷-۱ رضایت زناشویی.....	۲۰
۱-۷-۲ مهارت های زندگی	۲۲
۱-۷-۳ مهارت حل تعارض.....	۲۲
۱-۷-۴ مهارت های ارتباطی.....	۲۳
فصل دوم: پیشینه تحقیق	
۲-۱ بخش اول:	۲۵
۲-۲ نظریات رضایت زناشویی	۲۵
۲-۲-۱-۱ نظریه تبادل اجتماعی	۲۵
۲-۲-۱-۲ نظریه درمان گران سیستمی	۲۵
۲-۲-۱-۳ نظریه درک برابری والستر.....	۲۶

۲۷.....	۲-۲-۱-۴ نظریه کارکردگرایی ساختی
۲۷.....	۲-۲-۱-۵ نظریه پردازان شبکه
۲۸.....	۲-۲-۱-۶ نظریه کالینز.....
۲۹.....	۲-۲-۲ نظریه شناختی - رفتاری
۳۰.....	۲-۲-۳ نظریه عاطفی - عقلانی
۳۰.....	۲-۳ نظریه های مهارت های زندگی
۳۱.....	۲-۳-۱ نظریه بروکز
۳۱.....	۱- مهارت های مربوط به ارتباط بین فردی / روابط انسانی
۳۱.....	۲- مهارت های حل مسأله / تصمیم گیری
۳۱.....	۳- مهارت های مربوط به سلامت جسمانی / حفظ سلامتی
۳۱.....	۴- مهارت های رشد هویت / هدف از زندگی
۳۲.....	۲-۳-۲ نظریه راجرز
۳۲.....	۲-۳-۳ نظریه سازمان جهانی بهداشت روانی
۳۲.....	۱- مهارت تصمیم گیری
۳۲.....	۲- مهارت حل تعارض
۳۳.....	۳- مهارت تفکر خلاق
۳۳.....	۴- مهارت تفکر انتقادی
۳۳.....	۵- مهارت روابط مؤثر اجتماعی
۳۴.....	۶- مهارت ابراز وجود
۳۴.....	۷- مهارت همدلی
۳۵.....	۸- مهارت کنار آمدن با هیجان ها و فشارهای روانی
۳۶.....	۲-۴ مبانی نظری و نظریه های برنامه های آموزشی
۳۶.....	۲-۴-۱ نظریه یادگیری اجتماعی
۳۸.....	۲-۴-۲ نظریه شناختی - رفتاری
۳۸.....	۲-۴-۳ دیدگاه پست مدرنیسم
۳۹.....	۲-۵ بخش دوم:
۳۹.....	۲-۵-۱ تحقیقات انجام شده در خارج از کشور
۴۳.....	۲-۵-۲ تحقیقات انجام شده در داخل کشور
فصل سوم: فرآیند روش شناختی	
۴۸.....	۳-۱ جامعه آماری پژوهش

- ۳-۲- جمعیت نمونه..... ۴۸
- ۳-۳- روش نمونه گیری..... ۴۸
- ۳-۴- طرح تحقیق ۴۹
- ۳-۵- ابزارهای گرد آوری اطلاعات ۴۹
- ۳-۵-۱- معرفی آزمون ۴۹
- ۳-۵-۲- نمره گذاری پرسش نامه و تفسیر آن..... ۴۹
- ۳-۵-۳- پایایی پرسش نامه ۵۰
- ۳-۵-۴- روایی پرسش نامه ۵۰
- ۳-۶- روش تجزیه و تحلیل داده ها..... ۵۱

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

- ۴-۱- آمار توصیفی..... ۵۳
- ۴-۱-۱- فراوانی و درصد جنسیت شرکت کنندگان..... ۵۳
- ۴-۱-۲- فراوانی و درصد سن شرکت کنندگان..... ۵۴
- ۴-۱-۳- فراوانی و درصد تحصیلات شرکت کنندگان..... ۵۵
- ۴-۱-۴- فراوانی و درصد شغل شرکت کنندگان ۵۶
- ۴-۲- نتایج آمار توصیفی..... ۵۷
- ۴-۳- بررسی استنباطی فرضیه های پژوهش..... ۶۲
- ۴-۴- تحلیل نتایج آمار استنباطی..... ۶۶

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- ۵-۱- یافته های پژوهش..... ۷۵
- ۵-۱-۱- فرضیه یک: آموزش مهارت های زندگی(مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش رضایت مندی زناشویی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایش در مقایسه با رضایت زناشویی زوجین گروه کنترل تاثیر دارد..... ۷۷
- ۵-۱-۲- فرضیه دو: آموزش مهارت های زندگی(مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر بهبود مسایل شخصیتی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی)گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۷۸
- ۵-۱-۳- فرضیه سه: آموزش مهارت های زندگی(مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش رضایت از ارتباطات زناشویی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی)گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۷۹
- ۵-۱-۴- فرضیه چهار: آموزش مهارت های زندگی(مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش مهارت حل تعارضات زناشویی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۸۲

- ۵-۱-۵- فرضیه پنج: آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش رضایت از نحوه مدیریت مالی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۸۵
- ۵-۱-۶- فرضیه شش: آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش رضایت از نحوه مدیریت مالی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۸۶
- ۵-۱-۷- فرضیه هفت: آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش رضایت از رابطه ی جنسی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۸۷
- ۵-۱-۸- فرضیه هشت: آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر بهبود تعاملات والد- فرزند و رضایت از نحوه فرزند پروری زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۸۸
- ۵-۱-۹- فرضیه نه: آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر بهبود روابط با دوستان و خانواده ی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۸۸
- ۵-۱-۱۰- فرضیه ده: آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش رضایت از نقش ها و مساوات طلبی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۸۹
- ۵-۱-۱۱- فرضیه یازده: آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض) بر افزایش رضایت از جهت گیری مذهبی زوجین نظامی (از خرده مقیاس های رضایت زناشویی) گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد..... ۹۰
- ۵-۲- پیشنهادات..... ۹۱
- ۵-۲-۱- پیشنهادات کاربردی ۹۱
- ۵-۲-۲- پیشنهادات پژوهشی..... ۹۲
- ۵-۳- محدودیت های پژوهش..... ۹۳
- ۵-۳-۱- محدودیت های در کنترل پژوهش گر..... ۹۳
- ۵-۳-۲- محدودیت های خارج از کنترل پژوهش گر..... ۹۳
- منابع ماخذ..... ۹۵
- ضمائم و پیوست ها..... ۱۰۵
- پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ..... ۱۰۷
- چکیده لاتین..... ۱۱۱

فهرست جداول و نمودارها

- جدول شماره ۱-۴ فراوانی و درصد جنسیت شرکت کنندگان.....۵۳
- جدول شماره ۲-۴ میانگین سنی و درصد سن شرکت کنندگان.....۵۴
- جدول شماره ۳-۴ فراوانی و درصد تحصیلات شرکت کنندگان.....۵۵
- جدول شماره ۴-۴ فراوانی و درصد شغل شرکت کنندگان.....۵۶
- جدول شماره ۵-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات کل افراد شرکت کننده در پیش آزمون پرسشنامه ی رضایت مندی زناشویی به تفکیک گروه کنترل و آزمایش.....۵۸
- جدول شماره ۶-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات کل افراد شرکت کننده در پس آزمون پرسشنامه ی رضایت مندی زناشویی به تفکیک گروه کنترل و آزمایش.....۵۹
- جدول شماره ۷-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات کل افراد شرکت کنندگان گروه آزمایش در متغیر رضایت زناشویی و مؤلفه های آن در مراحل پیش آزمون و پس آزمون۶۰
- جدول شماره ۸-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات کل افراد شرکت کنندگان گروه کنترل در متغیر رضایت زناشویی و مؤلفه های آن در مراحل پیش آزمون و پس آزمون۶۱
- جدول ۹-۴ نتایج آزمون لوین برای نمرات کلی رضایت زناشویی.....۶۴
- جدول شماره ۱۰-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی رضایت زناشویی در گروه های کنترل و آزمایش.....۶۵
- جدول شماره ۱۱-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس های رضایت زناشویی در گروه های کنترل و آزمایش.....۶۵
- جدول شماره ۱۲-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس رضایت زناشویی در گروه های کنترل و آزمایش.....۶۶
- جدول شماره ۱۳-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس مسایل شخصیتی در گروه های کنترل و آزمایش.....۶۷
- جدول شماره ۱۴-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس ارتباط در گروه های کنترل و آزمایش.....۶۸
- جدول شماره ۱۵-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس حل تعارض در گروه های کنترل و آزمایش.....۶۸
- جدول شماره ۱۶-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس مدیریت مالی در گروه های کنترل و آزمایش.....۶۹
- جدول شماره ۱۷-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس فعالیت های اوقات فراغت در گروه های

کنترل و آزمایش.....۶۹

جدول شماره ۱۸-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس رابطه ی جنسی در گروه های کنترل و آزمایش.....۷۰

جدول شماره ۱۹-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس فرزندان و فرزندپروری در گروه های کنترل و آزمایش.....۷۰

جدول شماره ۲۰-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس خانواده و دوستان در گروه های کنترل و آزمایش.....۷۱

جدول شماره ۲۱-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس نقش های مساوات طلبی در گروه های کنترل و آزمایش.....۷۱

جدول شماره ۲۲-۴ نتایج تحلیل کوواریانس نمره های خرده مقیاس جهت گیری مذهبی در گروه های کنترل و آزمایش.....۷۲

فهرست نمودارها

نمودار شماره ۱-۴ درصد جنسیت شرکت کنندگان.....۵۴

نمودار شماره ۲-۴ میانگین سنی شرکت کنندگان.....۵۵

نمودار شماره ۳-۴ فراوانی و درصد تحصیلات شرکت کنندگان.....۵۶

نمودار شماره ۴-۴ فراوانی و درصد شغل شرکت کنندگان.....۵۷

نمودار شماره ۵-۴ پراکنده گی رابطه بین نمرات رضایت زناشویی در پیش آزمون و پس آزمون گروه های کنترل و آزمایش.....۶۳

خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی های خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی، مجموعه ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقش های متنوعی تعیین می کند. خانواده از یک ساخت نظام دار قدرت برخوردار است، صورت های پیچیده ای از پیام رسانی های آشکار و پنهان را به وجود می آورد و روش های مذاکره و مسأله گشایی مفصلی در اختیار دارد که به آن اجازه می دهد تا تکالیف مختلفی را با موفقیت به انجام برساند. رابطه ی اعضای این خرده فرهنگ رابطه ای عمیق و چند لایه است که عمدتاً براساس تاریخچه ی مشترک و درونی شده درباره ی جهان و اهداف مشترک بنا شده است. در این نظام، افراد به وسیله ی علایق و دلبستگی های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند دارند. خانواده، معرف نظامی است که اعضای آن به صورت گروه، سازمان دهی شده اند و کلی را ساخته اند که از مجموع یکایک اجزای آن، فراتر است. ورود به چنین نظام سازمان یافته ای صرفاً از طریق تولد، فرزند خواندگی یا ازدواج صورت می گیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۰۰، ترجمه ی شاهی براواتی و نقش بندی، ۱۳۸۲).

تشکیل خانواده با ازدواج آغاز می شود. دو نفر که از لحاظ جنسیت با هم متفاوت هستند متقابلاً به وسیله نیروی مرموز غریزه و عشق به هم دیگر متعهد می شوند، تا یک واحد پویای مولد را شکل دهند. ازدواج در جامعه متغیر امروزی یک پدیده ی پیچیده است. انسان ها به دلایل مختلفی ازدواج می کنند و در کنار گرایشات جنسی و جنسیتی، که مسایل اولیه هستند، عشق، مجالست، حفاظت، امنیت اقتصادی، امنیت عاطفی، فرار از تنهایی، علایق مشترک و داشتن فرزند؛ بعضی از عواملی هستند که می تواند باعث گرایش یک شخص به ازدواج شوند (جانتیوس^۳، ۲۰۰۴).

ازدواج، به جای این که صرفاً پیوند دو نفر باشد؛ معرف دگرگونی در دو نظام جا افتاده ی خانوادگی و تکوین یک خرده نظام در داخل هر یک از آن هاست. امروزه،

^۲ Goldenberg . & Goldenberg

^۳ Janetius

زوجین وابستگی رسمی کمتری با سنت های خانوادگی دارند، لذا الگوهای کمتری برای تقلید در اختیار آن هاست. بنابراین زوج های امروزی باید ابتدا خود را به عنوان یک همسر به طرف متقابل متعهد سازند و از این طریق خود را از خانواده های مبداء تفکیک نمایند. شاخص جدایی مناسب از خانواده های مبداء و تکوین یک واحد زناشویی منسجم منوط به داشتن تعهد در قبال همسر است (بارنهییل و لانگو^۴، ۱۹۷۸).

ازدواج رابطه ای انسانی، پیچیده، ظریف و پویاست و از ویژگی های خاصی برخوردار است. امروزه زندگی انسان ها در تمامی ابعاد، دستخوش تغییرات سریع و شگرفی شده است که ازدواج و زندگی زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ هرچند ازدواج به عنوان نهادی جهانی باقی مانده است، ولی اهداف و انتظارات و نحوه شکل گیری آن بر اثر تغییرات مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در طول زمان تغییر کرده است. هدف ازدواج نیز از ارتباط اجتماعی و خانوادگی، به ارضای نیازهای عاطفی - روانی و شخصی تغییر پیدا کرد. در جوامع امروز، دلایل اساسی ازدواج عمدتاً عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضای انتظارات عاطفی - روانی و افزایش شادی و خشنودی است (برنشتاین^۵، ۱۳۸۰؛ براون^۶، ۱۹۹۰؛ نوایی نژاد، ۱۳۸۰).

نقش تخریبی یا سازنده ی یک خانواده در جامعه و ایفای نقش مناسب خانواده در اجتماع به کیفیت پیوند ازدواج میان زوج تشکیل دهنده ی آن یعنی زن و شوهر بستگی دارد. مسلماً زمانی زوجین به وظایف خود به طور کامل عمل خواهند کرد که احساس رضایت مندی از زندگی زناشویی خود داشته باشند. احساس رضایت مندی هم چنین توان مقابله در برابر مشکلات و فشار های روانی را افزایش می دهد و سبب ارتقای سطح بهداشت روانی و جسمانی زوجین و نهایتاً افراد جامعه خواهد شد (طباطبایی، ۱۳۷۷).

رابطه ی زناشویی، هسته مرکزی نظام خانواده بوده و اختلال در آن به منزله ی تهدیدی برای بقای خانواده است. نارضایتی زوج ها از یکدیگر و از زندگی مشترک، پریشانی را در خانواده باعث می شود و این امری است که تأثیرات سوء آن بر جامعه، خانواده و افراد قابل انکار نیست. از دیدگاه برخی صاحب نظران، خانواده معیار شناخت و سنجش آسیب های اجتماعی است (قاضی، ۱۳۷۹).

⁴ Barenhill,& Langow

^۵ Bereneshtain

^۶ Beraon

رضایت مندی زناشویی، به معنای عملکرد و رفتار متناسب زوجین، بر اساس وظایف سنتی، عرفی و قانونی تعیین شده، برای هر کدام از آنان در قالب قانون خانواده و خرده فرهنگ است. این تناسب عملکرد، می تواند در جنبه های رفتاری، شناختی و عاطفی مطرح شود (فیربیرن^۷، ۱۹۶۴).

رضایت زناشویی یکی از مهم ترین و مؤثرترین عوامل در تداوم یک زندگی موفق، سالم و شاد، محسوب می شود. در شناسایی عوامل مؤثر در رضایت مندی زناشویی متخصصین توافق نظر دارد که موفقیت در ازدواج مستلزم توانایی و مهارت های خاصی در طرفین می باشد که یکی از آن ها، مهارت های ارتباطی و حل مسأله می باشد. از طرف دیگر باید توجه داشت که تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تغییرات خاصی را در نگرش به ازدواج و انتظارات طرفین از زندگی مشترک ایجاد نموده است (زمانی منفرد، ۱۳۷۶).

از جمله عوامل مؤثر بر رضایت مندی زناشویی، افکار، نگرش ها و روش های مواجه شدن زوجین با مسائل مختلف است، که می توان از آن به عنوان عوامل تعیین کننده ی رفتار فرد با دیگران نام برد (چلبی^۸، ۱۳۷۵). ارتباط نامؤثر موجب فاصله بین فردی عمیقی می گردد که در همه ی جنبه های زندگی و همه بخش های جامعه تجربه می شود. عدم استفاده از مهارت های لازم برای شروع و ادامه ی زندگی زناشویی لذت بخش می تواند منجر به تنهایی، بیماری جسمی و فشار روانی، احساس عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، مشکلات خانوادگی و حتی مرگ می شود (زمانی منفرد، ۱۳۷۶).

کرادوک^۹، (۲۰۰۷) بر روی مقوله های مؤثر بر رضایت زناشویی تحقیق کرده است و به این نتیجه رسیده است که زوجینی که انعطاف پذیری، سازگاری و همبستگی بیشتری دارند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بوده اند و هم چنین یک همبستگی مثبت را بین رضایت زناشویی با مؤلفه های هم سوئی در اوقات فراغت، همگرایی در مسایل مربوط به فرزندان، ازدواج، خانواده و دوستان به دست آورده اند. وی (۱) هم سوئی در باورهای مذهبی، (۲) کیفیت ارتباط، (۳) مدت زمانی که زوجین صرف با هم بودن می کنند؛ را از عوامل مهم در تعیین رضایت زناشویی می داند.

⁷ Fierbiern

⁸ Chelbi

⁹ Craddock

فنل^{۱۰}، (۲۰۰۷) در یک مطالعه ی طولی به بررسی مؤلفه های رضایت زناشویی در ازدواج های موفق و طولانی به مدت ۱۰ سال پرداخته است، وی در نتایج خود به ۱۰ مؤلفه تاثیر گذار شامل: (۱) تعهد به روابط زناشویی در طول زندگی، (۲) وفادار ماندن به همسر، (۳) ارزش های اخلاقی محکم، (۴) احترام به همسر، (۵) وفاداری جنسی، (۶) والد خوب بودن، (۷) داشتن ارزش های مذهبی، (۸) حمایت و لذت دو طرفه، (۹) هماهنگی و همدلی با همسر، (۱۰) توانایی عفو و بخشش و مورد بخشش واقع شدن اشاره می کند.

کسب مهارت های فردی و اجتماعی و کنار آمدن با فشارهای زندگی، همواره بخشی از واقعیت زندگی انسان بوده و در ادوار متفاوت زندگی او، به اشکال گوناگون تجلی یافته است. از آن جا که رضایت زناشویی محور توجه همه ی روان شناسان و درمانگران خانواده است و محور توجه بسیاری از نظریه پردازان حوزه های مختلف به خصوص مشاوران خانواده بوده است، توجه جدی به آموزش مهارت های زندگی به لحاظ پیچیدگی و دشواری زندگی، بسیار مهم است. لائوتسه^{۱۱} می گوید: « اگر به انسانی یک ماهی بدهید خوراک یک روز او را داده اید و اگر به او ماهی گیری بیاموزید، خوراک تمام عمر او را داده اید» (بشارتی فر، ۱۳۸۵).

¹⁰ Fennell

¹¹ Laotse

۱-۱ موضوع پژوهش

۱-۲ بیان مسأله :

نخستین وظیفه ی هنجارهای اخلاقی جامعه تنظیم روابط موزون بر پایه های مناسب است؛ انسانی ترین عمل برای تنظیم این روابط، پیوند زناشویی است که آن را به عنوان عامل اصلی اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده می دانند. ازدواج، پیوندی است میان زن و مرد که زیر بنای آن نیاز زیستی است و سبب پیدایش خانواده و تداوم آن است (ستوده، ۱۳۷۹).

خانواده با ازدواج و پیوند زن و مرد شکل می گیرد و در فرآیند زمان مراحل گوناگونی را طی می کند. در واقع زوج، هسته اصلی و پایه گذار خانواده اند و مراحل رشد خانواده براساس این هسته اصلی بنا نهاده می شود. چارچوب رشدی ای که محققان برای خانواده قائل هستند، بر این اصل مبتنی است که به طور کلی شکل و عمل کرد خانواده در طول زندگی تغییر می کند و به همین ترتیب می توان برای آن توالی منظمی متصور شد. این توالی منظم رشد، «چرخه ی زندگی خانوادگی» نامیده می شود. از دیدگاه درمان گران خانواده باید مشکلات زناشویی و خانوادگی در این چرخه بررسی شود، زیرا اولاً این مشکلات در نتیجه ی اختلال در پیشرفت طبیعی چرخه زندگی زناشویی و خانوادگی رخ می دهد و در ثانی هر یک از مراحل رشد خانواده مستلزم و همراه با تکالیف یا مسائلی است که تنها در صورت وجود رابطه ای صمیمی و رضایت بخش میان اعضای خانواده می توان آن را انجام داد یا حل کرد. آن چه در این بین وجود دارد، این است که علی رغم مشکلات و مسائلی که مردم در ازدواج و مراحل مختلف آن تجربه می کنند، در همه ی جوامع هم چنان داوطلبان تشکیل خانواده و ازدواج به مراتب بیش از کسانی است که چندان رغبتی به آن ندارند؛ روان شناسان دلایل گوناگونی را برای وجود این تمایل مطرح کرده اند، که شاید بهترین آن ها احساس امنیتی است که انتظار می رود ازدواج آن را به ارمغان آورد و یکی از عوامل اصلی به وجود آمدن این احساس، رضایت از زندگی زناشویی می باشد (محمدخانی، ۱۳۸۹).

آن چه در ازدواج، بیش از هر چیز دیگری مهم است، رضایت از ازدواج است. تقریباً همه ی زوجینی که ازدواج می کنند، در ابتدای ارتباط خود، سطح بالایی از رضایت زناشویی را گزارش می کنند (مارکمن و هالوگ^{۱۲}، ۱۹۹۳)؛ بدبختانه رضایت از

^{۱۲} Markman & Hahlweg

رابطه در طی زمان و در میان خیلی از زوجین، کاهش می یابد (برادبری^{۱۳}، ۱۹۹۸). گریف^{۱۴} (۲۰۰۰) در تعریف سازگاری اظهار می کند که زوج های سازگار، زن و شوهرهایی هستند که با یکدیگر توافق زیادی دارند، از نوع و سطح روابط خود، کیفیت اوقات فراغت رضایت دارند و در زمینه ی مسائل مالی خود مدیریت خوبی اعمال می کنند.

مطالعه بر روی سیستم های اعتقادی و الگوهای تعاملی زوجین خوشبخت، نشان می دهد که آن ها ویژگی های مشخصی، که عبارتند از احترام، پذیرش، بیشتر بودن تعامل های مثبت در مقایسه با تعامل های منفی، متمرکز کردن تعارض ها بر روی موضوع های دقیق و مشخص، ترمیم روابط قطع شده، برخورد معقول با سبک های متفاوت محاوره زنانه و مردانه، و توجه کردن به نیازهای صمیمیت و قدرت دارند (کار^{۱۵}، ۲۰۰۴؛ ترجمه ی پاشا شریفی، نجفی زند و ثنایی، ۱۳۸۵).

رضایت زناشویی، نشانگر استحکام و کارآیی نظام خانواده است. سعادت و سلامت خانواده به وجود ارتباطات سالم و بالنده ی زوجین بستگی دارد و چنان چه پایه ی خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد، پیام منفی آن مشکلات جسمی و روانی است (ستیر^{۱۶}، ۱۹۸۳؛ ترجمه ی بیرشک، ۱۳۸۴).

تعارض زناشویی از ناهمگنی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خود محوری، اختلاف در خواسته ها و طرح واره های رفتار غیر مسؤولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (شارف^{۱۷}، ۱۹۹۹).

در واقع ازدواج رابطه ای است که شخص با انتخاب وارد آن می شود و تقریباً نیم قرن در این رابطه خواهد ماند. زن و مردی که با هم ازدواج می کنند، باید بتوانند خود را با نیم قرن تحولات اجتماعی، رشد و تغییرات متقابل یکدیگر تطبیق دهند. اگر از عهده ی این کار بر نیایند، به احتمال زیاد رابطه ی زناشویی آن ها دچار مشکل خواهد شد (ثنایی، ۱۳۷۲).

تغییر اساس و اهداف ازدواج، مستلزم تغییر انتظارات، وظایف و نقش ها و افزایش مهارت همسران برای تحقق این اهداف و نیازهاست. افزایش طلاق و نارضایتی زناشویی

^{۱۳} Bradbury

^{۱۴} Greef

^{۱۵} Kar

^{۱۶} Satir

^{۱۷} Sharf.S,Y

نشان دهنده‌ی نیاز همسران به مداخلات و آموزش‌های تخصصی در این زمینه است. مطالعات و تجارب بالینی نشان می‌دهد که در جامعه معاصر، زوج‌ها مشکلات شدید و فراگیری را در هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و سازگاری با یکدیگر تجربه می‌کنند. ایجاد و حفظ روابط صمیمانه در جریان ازدواج یک مهارت و هنر است که علاوه بر سلامت روانی و تجارب سالم اولیه نیازمند کسب مهارت‌ها و انجام وظایف خاصی است. برای افزایش صمیمیت و سازگاری زوجین رویکردهای متعددی، از قبیل رویکرد روان تحلیلی، شناختی-رفتاری، رشدی، ارتباط درمانی، دلبستگی و روابط شیء، متمرکز بر عواطف و روانی - آموزشی ارائه شده است (میلر^{۱۸}، ۱۹۹۵).

بسیاری از افراد در رویا رویی با مسایل زندگی، فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مسایل و مشکلات زندگی روزمره، پریشان و آسیب پذیر می‌کند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که بسیاری از مشکلات بهداشتی و اختلالات روانی-عاطفی، ریشه‌های روانی-اجتماعی دارند. لذا، چنان‌چه افراد مهارت‌های حل مسأله خود را افزایش دهند، در بهبود کیفیت زندگی آنان مؤثر واقع خواهد شد (امیرحسینی، ۱۳۸۳).

تحقیقات کورنلیوس^{۱۹}، و همکارانش نشان داد که آموزش خانواده موجب بهبود در رضایت زناشویی می‌گردد. آن‌ها نتایج آزمایش خود را بر روی ۳۰ نفر گروه آزمایش و مقایسه آن با گروه گواه به دست آوردند، که این آموزش علاوه بر رضایت زناشویی باعث معناداری در ارتباطات بین فردی نیز شده بود (۲۰۱۰).

در سطح جهانی، در دو دهه نخست پس از جنگ جهانی دوم، به علت افزایش نارضایتی‌های زناشویی و در نتیجه طلاق، به طور جدی‌تر از گذشته در این باره به پژوهش پرداخته شد. نخستین پیش‌گامانی که در خصوص نارضایتی زناشویی مشغول پژوهش بودند، دو دیدگاه را درباره شکل‌گیری این پدیده طرح کردند، که امروز نیز تایید می‌شود. به اعتقاد نظر اول، که بر نقش فرد در به وجود آوردن نارضایتی زناشویی تاکید دارد، مشکلات زناشویی از نبود سلامت روانی، حداقل در یکی از زوجین، ناشی است. در این رویکرد درمانگران عموماً زوج‌ها را جداگانه درمان می‌کنند (اورت^{۲۰}، ۱۹۷۶).

^{۱۸} Miler, 1995

^{۱۹} Cornilaus

^{۲۰} Everett

به اعتقاد دیدگاه دوم، که بر نقش روابط میان فردی و تعامل میان همسران پافشاری می کند، مشکلات زناشویی از الگوی تعاملات میان فردی ناشی است. بنابراین، این رویکرد در درمان بر بهبود الگوهای ارتباطی میان زوج ها متمرکز است (هالی^{۲۱}، ۱۹۷۶).

بنابراین، یادگیری موفقیت آمیز مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض)، احساس یادگیرنده را در مورد خود و دیگران تحت تاثیر قرار می دهد و علاوه بر این، کسب این مهارت ها نگرش دیگران را نیز در مورد یادگیرنده گان تغییر می دهد. یعنی هم افراد و هم محیط آنان را تحت تاثیر قرار می دهد و این اصل دو سویه، ارتقای بهداشت روان را شتابی دو چندان می دهد (مرادی، ۱۳۸۹).

تبیین برخی از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی، از اهداف پژوهش کنونی است. با توجه به مطالعات گسترده در مورد ارزش مندی آموزش و بررسی تغییرات حاصل، از این طریق و اثربخشی آن، محقق در صدد است بررسی کند که آیا آموزش مهارت های زندگی (مهارت های ارتباطی و حل تعارض)، میزان رضایت مندی زناشویی زوجین نظامی را ارتقاء می بخشد؟

۳-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق :

در طی سال ها، اندیشمندان بر اهمیت خانواده به عنوان نهادی که انجام کارکردهای اساسی را برای افراد و جوامع، بر عهده دارد، تاکید کرده اند (بابلوز^{۲۲}، ۲۰۱۱)؛ و داشتن یک جامعه سالم را منوط به دارا بودن خانواده های مستحکم دانسته اند (گیدنز^{۲۳}، ۲۰۰۳). خانواده نهادی اجتماعی است که همانند آینه ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی های اجتماعی است، از طرف دیگر خانواده از مهم ترین عوامل مؤثر بر جامعه است. هیچ جامعه ای نمی تواند به سلامت برسد، مگر آن که از خانواده های سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲).

خانواده هایی که در آنها پدر نظامی است، خانواده های نظامی نامیده می شوند (باقرپور کماچالی و همکاران، ۱۳۸۵). و خانواده های نظامی معمولاً متحمل تنیدگی دوری از محیط زندگی عادی، زندگی در محیط های ناآشنا، تجربه ناشی از زندگی خارج از زادگاه خود می شوند. مشکلات داخلی خانواده، توانایی کارکنان نظامی

^{۲۱} Haley

^{۲۲} Bubloz, 2011

^{۲۳} Gidns, 2003

دارای مسؤولیت را کم می کند و بر احتمال بروز مشکلات روانی می افزاید (میرزمانی، ۱۳۸۱).

همچنین شغل هر یک از اعضای خانواده، به خصوص افرادی که نقش اساسی در استحکام بنیان خانواده دارند (والدین) بر روابط بین اعضا و سلامت روانی هر یک از آنها بی تاثیر نیست (آدکوچکیان، ۱۳۷۶).

موفقیت شغلی بسیاری از مردم از جمله کارکنان نیروهای مسلح به حضور آنها در خانواده های هماهنگ، سالم و بهره مندی از همسر و فرزندان سازگار بستگی دارد و بدیهی است که برای دستیابی به نیروی نظامی قدرت مند، بایستی به ویژگی های خانواده های آنان و مشکلات مربوط به آن ها توجه نمود. وجود هر گونه مشکل در خانواده های کارکنان نظامی مانعی در رشد و تعالی نیروهای نظامی محسوب می شود (میرزمانی و همکاران، ۱۳۸۱).

تندگی مشاغل نظامی، پیامدهای عمده و چشمگیری در محیط خانواده ایجاد می کند (قماشچی، ۱۳۸۱). اختلالات روان شناختی در بین خانواده های نظامی بر حسب نوع اختلال بین ۳ تا ۱۵ درصد و به ترتیب در اختلالات پارانوئید، وسواس، افسردگی، روابط بین فردی، مشکلات جسمانی و پرخاشگری گزارش شده است (احمدی، ۱۳۸۱). و بر اساس پژوهش های انجام شده روشن شده است که میزان شیوع این اختلالات بین خانواده های نظامی بیشتر از خانواده های عادی است (مسکینی، ۱۳۸۱).

نیروهای نظامی به لحاظ ماموریت های ویژه حرفه ای، با مسایل شغلی بیشتری مواجه بوده، مشکلات روان شناختی بیشتری در مقایسه با کارکنان سایر مشاغل دارند. فشار روانی ناشی از نوع شغل، ماموریت های پیچیده، قوانین سخت، احتمال مجروحیت، معلولیت، اسارت و حتی مرگ از جمله مسایلی می باشد که احتمال آنها در مشاغل نظامی بسیار بیشتر از مشاغل غیر نظامی است (محمدی، ۱۳۸۲).

بر اساس پژوهش های انجام شده، عواملی هم چون فشار روانی محیط کار، موقعیت های حساس و بحرانی، مسؤولیت های زیاد شغلی، استرس شغلی، جا به جایی های ناخواسته، مشکلات موجود در خانه و خانواده، عدم اطمینان به توانایی های فردی، خستگی روانی ناشی از سختی کار، فکر احتمال مرگ، جزء مواردی شناسایی شده است که به افسردگی و آشفتگی های روحی کارکنان نظامی و خانواده های آنان می انجامد (مهرگان و همکاران، ۱۳۸۹).

نتایج حاصل از پژوهش مهرگان و همکاران درخصوص بررسی افسردگی در ارزیابی روان شناختی و روان سنجی کارکنان شناورهای سطحی و زیر سطحی نشان داده است که به علت فشارهای روانی در محیط کار، موقعیت های حساس و بحرانی و مسؤولیت های زیاد کاری، استرس های شغلی، جابه جایی ناخواسته محل کار، مشکلات موجود در خانه و خانواده و دوری از خانواده، سابقه گذراندن دوره ای از بیماری های روانی در برخی از کارکنان، عدم اطمینان به توانایی های فردی، خستگی روانی و فکر احتمالی مرگ در سطح شناورها به افسردگی گرایش داشته اند و با ارائه به موقع خدمات مشاوره ای نظیر روان درمانی و ارائه کلاس های بهداشت روان و مهارت های زندگی و درمان دارویی از این احتمال کاسته شده است (مهرگان و همکاران، ۱۳۸۹).

مشکلات ارتباطی امروزه، به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات در زمینه ی رضایت زناشویی مطرح می شود. کاپلان و سادوک^{۲۴} (۱۹۹۴)، مطرح می کنند که روابط، ماتریسی را شکل می دهند که غالب مردم زندگی را در محدوده ی آن سپری می کنند. روابط منبع آسایش، پیوند، خشنودی و هم چنین منبع تعهد، مسؤولیت و اختلاف هستند (رفیعی و رضایی، ۱۳۷۸).

با در نظر گرفتن نقشی که رابطه زناشویی می تواند بر مفهوم بهداشت روانی داشته باشد، شناسایی عوامل مؤثر در رضایت مندی زناشویی می تواند اقدام مهمی در حیطه ی روابط زناشویی به شمار آید. از طرف دیگر افزایش آمار طلاق در جوامع انگیزه ای برای محققین در یافتن عوامل مؤثر در ثبات و رضایت مندی زناشویی شده است. طلاق یک مشکل اجتماعی حساس با پیامدهای جدی برای سلامت روانی و جسمی همسران و فرزندان شده است (فاورز، مانتل، اولسون^{۲۵}، ۱۹۹۶).

معتبر ترین شاخص آشفستگی زناشویی، طلاق است و طلاق در جوامع غربی حالت همه گیر پیدا کرده است. نرخ طلاق تنها یک جنبه از جمعیت کل زوجینی را که مشکلات ارتباطی دارند را نشان می دهد؛ سایر زوجین مشکلات ارتباطی دارند اما بنا به دلایلی مثل گرفتاری های مالی طلاق، تصورات شخصی و فرهنگی در مورد طلاق، تصمیم می گیرند به زندگی در کنار هم ادامه دهند (هیمن، ویس^{۲۶}، ۱۹۹۷؛ اولیری، بیچ^{۲۷}، ۱۹۸۶). تحقیقات در مورد زوجین آمریکایی، مؤید این است که در هر زمان تقریباً ۱۰ تا ۱۵ درصد از افراد متاهل مشکلات ارتباطی مهمی را گزارش می کنند

²⁴ Caplan & Saddock

²⁵ Favers, Mantel & Olson

²⁶ Heyman, weiss

²⁷ Oleary, Beach

(هیمن، ویس^{۲۸}، اولیری، بیچ، ۱۹۸۶). با وجود شواهدی بر عمومیت داشتن طلاق، اکثر زوجین رضایت مند معتقدند که احتمال این که روزی طلاق بگیرند، صفر است (فاورز^{۲۹}، ۱۹۹۶) در بین افرادی که رضایت زناشویی بالایی را مطرح کرده اند، ۴۰ درصدشان گزارش داده اند که گاهی به ترک همسرشان نیز فکر کرده اند (گالوپ^{۳۰}، ۱۹۸۹). بنابراین، به نظر می رسد که حتی در زوجینی که رضایت زناشویی دارند، مشکلات به وجود می آید. همه ی این مسایل به این خاطر است که آشفتگی های ارتباطی و نداشتن مهارت حل این تعارضات یک مشکل عمومی در اکثر جوامع است. بیشتر تعارضات رابطه در شرایط محیطی خاص رخ می دهد. شرایط محیطی خطرناک برای یک رابطه، عبارت اند از:

قرار گرفتن در موقعیت های جسمی خاص (بارداری، بیماری خاص، نقص در یک یا چند عضو و مانند آن) آشفتگی یکی از همسران (ناراحتی های روحی، افسردگی، اضطراب و مانند آن) زمانی که یکی از همسران به خاطر اتفاقات بیرون (محل کار، محل زندگی و مانند آن) تحت فشار است (هالفورد^{۳۱}، ۱۹۹۲).

پژوهش هایی که در این زمینه انجام گرفته است، اغلب به حوادث آسیب زا، عوامل فشارزای اقتصادی و شغلی، یا مجموعه وسیعی از عوامل استرس زا و حوادثی هم چون افسردگی، بیماری های روانی یا مزمن، فرزند معلول یا مختل از لحاظ رفتاری اشاره دارد که زوج ها با آنها مواجه می شوند (بیچ، ۲۰۰۰؛ اولیاء، ۱۳۸۷).

اکثر افراد مشکلات ارتباطی را به صورت بی نهایت فشار آور تجربه می کنند. در حقیقت بعد از مرگ ناگهانی در خانواده، آشفتگی زناشویی و طلاق شدیدترین فشارهایی هستند که افراد تجربه می کنند (بلوم، آشر و وایت^{۳۲}، ۱۹۸۷).

مشکلات ارتباطی با خطر توسعه ی اختلالات روانی فردی، مثل افسردگی در زنان، سوء مصرف الکل در مردان، بدکار کردی جنسی در هر دو جنس و مشکلات رفتاری در کودکان به ویژه پسران همراه است (گریچ و فینچمن، ۱۹۹۰؛ ایمری، جویس و فینچمن^{۳۳}، ۱۹۸۲).

^{۲۸} Heyman, Weiss, Oleary, Beach

^{۲۹} Fawears

^{۳۰} Galoup

^{۳۱} Halford

^{۳۲} Bloom, Asher & White

^{۳۳} Grych, Emery, Joyce